

ره آورد روزگار

گزیده خاطره‌ها، همراه با نقدهای مقطعی از
وضع سیاسی-دیپلماتی ایران در سالهای پیش از انقلاب

3-08-1612:44:50 E

دکتر حسین شهید داد

سفیر پیشین ایران در بغداد



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۵

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

شهیدزاده، حسین، ۱۳۰۱-۱۳۸۹
ره‌آورد روزگار: گزیده خاطره‌ها، همراه با تقدیمات مقطعی از وضع

سیاسی - دیپلماسی ایران در سالهای پیش از انقلاب / حسین شهیدزاده

مشخصات نشر:

تهران: اطلاعات، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری:

۵۰۴ ص.: مصور

شابک:

978-600-435-011-2

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت:

چاپ قبلی: نشر البرز، ۱۳۷۸

یادداشت:

کتابنامه به صورت زیر نویس

یادداشت:

نمایه

موضوع:

شهیدزاده، حسین، ۱۳۰۱-۱۳۸۹ - خاطرات

موضوع:

سفیران ایرانی - عراق - خاطرات

موضوع:

Ambassadors, Iranian - Iraq - Diaries

شناسه افزوده:

مؤسسه اطلاعات

رده‌بندی کنگره:

DSR ۱۴۸۶ / ۹۱۳ / ۱۱۱۵

رده‌بندی دیویی:

۳۰۸ / ۰۸۴ / ۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی:

۴۳۸۲۳۶۸

3-08-1612-44:50 E



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۳۱۱۱، ۱۵۱

تلفن: ۹۹۹۳۳۵۵-۶

تلفن دفتر توزیع و فروش: ۹۹۹۳۳۴۲-۶

فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، رویروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۹۹۹۳۳۶۸-۶

فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، رویروی دانشگاه تهران، تلفن ۶۶۴۶۰۷۳۴-۶

ره‌آورد روزگار

نوشته دکتر حسین شهیدزاده

صفحه‌آرا: رحیم رضائی

حروف‌نگار: زینب عودباشی

حروف‌نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

طراح جلد: رضا گنجی

شمارگان: ۱۰۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۵

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-435-011-2

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۰۱۱-۲

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۰	پیش از گفتار
۱۷	کارمندی در وزارت امور خارجه
۳۳	خدمت و وظیفه
۵۳	بازگشت به خدمت وزارت امور خارجه و اولین مأموریت سوئیس
۷۷	در واتیکان
۹۹	بازگشت به ایران
۱۰۹	در پاریس
۱۲۷	مأموریت در اتریش
۱۴۹	کنفرانس روابط دیپلماتیک
۱۵۵	در سازمان ملل متحد
۱۶۵	در مادرید
۱۸۹	بازگشت به تهران

۱۹۷	در اداره روابط فرهنگی.....
۲۱۹	دومین مأموریت سونیس.....
۲۴۵	در اداره پنجم سیاسی.....
۳۰۷	مأموریت بغداد.....
۳۳۳	ورود به بغداد.....
۳۷۷	رافقه امامه الجزایر و عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵.....
۳۸۳	سئله کردها.....
۳۹۱	آب شدن یخها.....
۴۱۵	پایان مأموریت بغداد.....
۴۲۹	ماجرای مأموریت بغداد.....
۴۳۹	پس از انقلاب.....
۴۵۳	تصاویر.....
۴۸۹	نمایه.....
۴۹۱	اشخاص.....
۴۹۹	جایها.....

3-08-1612:44:50 E

پیشگفتار

ره‌آورد روزگار را باید آخرین جلد از سه‌گانه خاطرات دکتر حسین شهیدزاده محسوب کرد. به دربرگیرنده خاطرات دوران خدمت او در دستگاه‌های دولتی و به‌ویژه وزارت امور خارجه است. دو جلد دیگر با عناوین روزگاری در شورآباد (آگاه: ۱۳۶۹)، راه بی‌بازگشت (اطلاعات: ۱۳۹۰) به‌خاطرات نویسنده از دوران کودکی‌اش در شهر قم و دوران نوجوانی و جوانی در شهر تهران اختصاص دارد.

شهیدزاده در تدوین و انتشار خاطراتش، تقدم رمان را بر حقیقت نکرده و پس از چاپ خاطرات کودکی‌اش (روزگاری در شورآباد) به راجع کتاب حاضر رفت و چاپ نخست آن را در سال ۱۳۷۸ روانه بازار ساخت. این مسئله احتمالاً به سبب آن بود که ره‌آورد روزگار جنبه‌های مهمی از روابط خارجی ایران و تاریخ دستگاه دیپلماسی را بازگو می‌کرد و خود او اهتمام بیشتری به آن داشت. واکنش‌های مختلف پس از چاپ کتاب نیز بر این فرض صحه گذاشت و بسیاری از کارگزاران قدیم و جدید وزارت خارجه،

صاحب نظران و پژوهشگران تاریخ معاصر، محققان و حقوقدانان عرصه قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی و علاقه‌مندان به تاریخ عصر پهلوی دوم؛ به تعریف و تمجید و همچنین استناد به کتاب پرداختند.

حسین شهیدزاده که در سال ۱۳۰۱ در شهر قم و در خاندانی سرشناس از بیت مرجعیت به دنیا آمده و تحصیلات مقدماتی خود را در همین شهر به انجام رسانده بود، پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل به سوئیس رفت و از دانشگاه نوشاتل، موفق به اخذ مدرک دکتری حاکم سیاسی گردید.

وی در کتاب سیر رو از دوران خدمتش در بخش‌های گوناگون وزارت خارجه سخن گفته و از آنجا که مدارج ترقی را پله پله و باروایی منطقی گذرانده، و از سویی در کشورها و منصب‌های مختلف سمت داشته، موفق به ارائه تصویر نسبتاً آشکار و روشنی از اوضاع ایران در این وزارتخانه مهم و در عین حال عریض و طویل شده است. مأموریت به سوئیس و واتیکان و پاریس و سپس بازگشت به ایران و مسئولیت اداره پنجم سیاسی و نهایتاً سفارت ایران در عراق از جمله مخاطراتی است که نویسنده به ذکر آنها همت گمارده است.

بدون شک مهمترین بخش کتاب را باید آغاز مأموریت وی در بغداد در روزهای پایانی سال ۱۳۵۲ دانست. این مأموریت زمانی آغاز شد که دو کشور نزدیک به سه سال روابط دیپلماتیک خود را قطع کرده بودند. به بیان دیگر، شهیدزاده زمانی به عنوان سفیر ایران در عراق منصوب شد که وضعیتی شبیه به «نه صلح نه جنگ» بر مناطق مرزی حکمفرما بود. علاوه بر آن موضوعات پیچیده و بغرنج دیگری از گذشته وجود داشت که تنش در روابط دو کشور را به اوج رسانده بود: مسئله کردهای عراق، حضور علمای ایرانی در عراق و خصوصاً در نجف، مسائل مربوط به عتبات عالیات

و مسافرت اتباع ایران.

مأموریت شهیدزاده در بغداد کمتر از سه سال به درازا کشید و روابط ناسالم و فساد حاکم بر دستگاه دیپلماسی رژیم پهلوی، وی را روانه تهران ساخت. هر چند که این مأموریت، ثمره تاریخی و بسیار مهمی با عنوان قرارداد مرزی ۱۹۷۵ الجزایر داشت که به اعتقاد صاحب نظران «فنی ترین، دقیق ترین، حقوقی ترین و کامل ترین معاهده مرزی امضا شده بین وزرای خارجه ایران و عراق در طول تاریخ است که با جزئیات مفصلی در سازمان ملل به ثبت رسیده است. در این معاهده، روش حل اختلافات احتمالی مشخص شده است. در ماده ۶ این قرارداد؛ راه هرگونه توسل به زور برای حل اختلافات از میان برداشته و بهانه جویی بسته شده است.»^۱

حسین شهیدزاده در سال های پس از انقلاب اسلامی، بیشتر به کار تألیف و ترجمه مشغول شد و تا اواخر دهه های هشتاد و نود در فوایدین سال ۱۳۸۹ به آن ادامه داد. ترجمه ها، بی در حرج تخصصی اش را به علوم سیاسی بود که در این بین دو کتاب تاریخ عقاید و مکتبهای سیاسی از عهد باستان تا امروز (انتشارات مروارید: ۱۳۸۳) و کتابهای بزرگ سیاسی از ماکیاوول تا روزگار کنونی (امیرکبیر: ۱۳۸۹) مورد منابع مهم و مرجع این رشته به شمار می روند.

کتاب ره آورد روزگار مورد تمجید بسیاری از کسانی که اهل تاریخ بوده و دستی در مطالعات تاریخ معاصر ایران دارند، قرار گرفت. از آن جمله ایران شناس و کتاب شناس بزرگ، زنده یاد ایرج افشار بود که در مطلبی با عنوان «قلم گریانی وزارت خارجه ای ها» در مجله بخارا این گونه نوشته است:

۱. حسین علایی، «نگاهی به جنگ تحمیلی از آغاز تا فتح خرمشهر»، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱، ص ۹۱.

«من از میان کتابهای نو وزارت خارجه‌ای‌ها نوشته شهیدزاده، دوست دیرین و همدوره دانشکده‌ام، را که به ره‌آورد روزگار نام‌گذاری کرده است، خواندم. چون از قدیم به مراتب فضل و اخلاق او آشنا بودم انتظار جز این نمی‌رفت که نوشته‌اش خواندنی باشد، و بود. مرحبا بر قلم توانا و دست‌نویس او و آفرین بر کوششی که در گفتن خصایص اعمال وزارت خارجه آن دوره آورده است، بی‌آنکه قلم را از سر بی‌عفاف و ناسزاگویی بگریزند. با نه‌شتن این کتاب و مخصوصاً ظرافتهای لفظی و معنوی که در آن هست، نشان داد دیپلماتی حرفه‌ای شده بود.»

غلامرضا امیرخانی

استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی

3-08-1612:44:50 È

پیش از گفتار

رده آورده و نگار چهری - به مجموعه خاطره ها نیست. خاطره گرانه ترین دستاوردی است که از سبک شستن عمیق این مابقی می ماند؛ پس باید آن را عزیز داشت، به هدر نداد و به صورت میراثی برای دیگران بر جای نهاد.

هر یک از ما، به عنوان انسانی که از مزایای زندگی در اجتماع بهره ها می برد، به جامعه خویش دینی دارد که پیش از ترک این جهان بایستی آن را ادا کند. بازگو کردن و برجا گذاشتن تجربه های زندگی، برای کسانی که توانایی نوشتن یا توصیف آنها را دارند، به گونه ای ادای این دین است.

هیچ کس نباید بیندیشد که چون فرد بلندپایه ای در رده های اجتماعی نبوده، تجربه هایش از زندگی بی اهمیت یا کم اهمیت است و خریداری ندارد. هر تجربه ای، در هر رده ای که باشد، خواستاران و بهره جویانی دارد و ممکن است سودمند واقع گردد. انسان، پیش از آنکه صاحب مقام و منصبی باشد، انسان است و چه کاری از این بهتر که کسی بتواند در راه از میان برداشتن معضلات انسان های دیگر گامی بردارد؟ تجربه های هر

انسان امکان دارد برای انسان‌های دیگر مفید باشد. تجربه‌ها درس‌های زندگی‌اند و در جهت دادن به زندگی جایگاهی والا دارند.

من مقام و منصب والایی نداشته‌ام تا بنا بر اهمیت آن به خاطره‌نگاری بپردازم؛ اما در مقام کوچک اداریم تجربه‌هایی کسب کرده‌ام که وظیفه خود می‌دانم آنها را به عنوان میراثی، هر چند ناچیز و کم‌ارزش، برای هموطنانم برجای گذارم.

خاطره‌نگاری، به ویژه از اواسط دوران قاجاریه، در ایران رواج پیدا کرد و هر چند بسیاری از آن نوشته‌ها، از بسیاری جهات، جای ایراد داشت، به روشن ساختن این دوره از تاریخ ایران کمکی شایان کرد. در دوران پس از انقلاب اسلامی، بسیاری از رجال و دست‌اندرکاران حکومت سابق، در داخل و خارج از کشور، به خاطره‌نگاری پرداختند، اما ویژگی تمام اینها، سواي یکی در اثر، در این است که نگارندگان کوشش خود را در مسیر ساختن خویش و متهم جلوه دادن دیگران در فرایند انقلاب و به هم ریختن وضع سابق به کار گرفته‌اند. در هیچ‌یک از این خاطره‌ها تجزیه و تحلیلی آموزنده و ارزشمند از وضع اجتماعی زمانه روی کار بودن نویسندگانشان و پیامدهای آن به چشم نمی‌خورد و موضوع تفسیر سوابق‌های خصوصی بیش از مسائل اجتماعی مطرح است.

شماری دیگر از صاحبان قلم، پا را از این هم فراتر گذاشتند و دگرگونی نظام سیاسی و وضع اجتماعی ایران را مستمسک قرار دادند، و در پوشش خاطره‌نگاری یا رمان‌نویسی، حساب‌های خانوادگی را به میان کشیدند و فرصت را برای انتقام‌جویی از قدرتمندان رژیم سابق، بخصوص خاندان پهلوی که کینه آن را سالها در دل پرورانیده بودند، غنیمت شمردند. اینها، با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، موقعیت را برای اختفای وضع خویش و ارضای آرزوهای برآورده نشده و یا تبرئه نیاکان خود،

که از دیدگاه ملت ایران گناهکارانی نابخشودنی به شمار می آیند، مناسب تشخیص دادند و قلم در دست گرفتند.

این گونه غرض ورزی ها و تحریف حقایق، از آنجا که امکان دارد منبع تحقیق و استناد قرار گیرند و موجب اشتباه یا گمراهی پژوهشگران شوند، از دیدگاه محققان مسائل اجتماعی مردود شناخته شده اند. از اینها گذشته، همپای جویباری باریک که در سراسیمه زمین، مسیر خود را به طور پایبند پیدا می کند و از جایی که باید، سر در می آورد، هر رویداد اجتماعی نیز بافت و مسیر ویژه خود را دارد که سرانجام به نتیجه معلوم و معینی که باید، منتهی می شود. بنابراین، آمیختن این رویدادها به تخیل و غرض، و یا آنچه آن را رمانتیکسم نام نهادند، و در نتیجه دگرگون ساختن اهمیت آنها، با روح امانت داری و حقیقت گویی تضاد دارد و مورخ یا جامعه شناس و یا تحلیلگر امور اجتماعی هر یک از افعال درست آنها به نسل های آینده است.

کتاب حاضر، خاطره نگاری به معنای رایج این کلمه نیست، زیرا پیوستگی و همبستگی لازم را که مفهوم ذهنی این و آن به دست می دهد، دربر ندارد و ضرورتی هم در مرعی داشتن این پیوستگی که داه زاید و لال انگیز جلوه گر می شود، دیده نشده است. می توان گفت که این کتاب جزو اسناد از خاطراتی است که پس از گذشت زمان در ذهن نگارنده برجای مانده و به نتیجه ای اجتماعی از آن مترتب شده است. چه ضرورتی دارد که مثلاً در رسم فلان روز، فلان ساعت از بستر بیرون آمدم، فلان لباس را پوشیدم و فلان شخص را ملاقات کردم. بیشتر این گونه وقایع نگاری ها جز اطالۀ کلام ثمر دیگری ندارد.

در این کتاب، که از دیدگاهی دیگر، نوعی تاریخ اجتماعی یا جامعه شناسی اداری دورانی کمتر از نیم قرن است، کوشش به کار رفته است تا ضمن

بیان سرگذشتی نسبتاً پرماجرا، علل و اسباب برخی رویدادها و پیامدهای اجتماعی آنها مورد نقد و بررسی قرار گیرد؛ بررسی و نقدها و نظرهایی که نویسنده به هیچ وجه اصراری در قبولاندن یا درست بودن آنها ندارد، بلکه آنها را به صورت استنباطهای شخصی به خوانندگان ارائه می دهد و از اینکه روزی مورد راهنمایی و رفع اشتباه قرار گیرد سپاسگزاری بی کران خویش را از پیش اظهار می دارد. اما آنچه نویسنده در درست بودنش پای می فشارد، صداقت و صمیمیتی است که در نگارش وقایع به کار رفته است. به ضرس قاطع و برآت می گویم یک کلمه خلاف واقع یا دروغ و حقیقت پوشی در این مجموعه نیست. و نگارنده امیدوار است ملت شریف ایران حاصل عمر او را و به مصداق کلام «سدی «برگ سبز و تحفه درویش» را از او بپذیرد و منت بر او نهد.

در پایان این گفتار، سوری تأکید بر این نکته بی نهایت است که انتشار این مجموعه نه برای کسب سود مالی بوده است - که در کشور ما تاکنون کسی به نسبت زحمت و مرام که در کار نویسندگی متحمل می شود از آن طرفی نبسته است - و نه به خاطر مجویی که در واپسین سالهای عمر نه سودی از آن برایم حاصل است نه نیازی به آن دارم، و نیز نه در جهت تبرأ جستن از تهمت ها و تقصیرهاست که سانس خدای را هیچ وقت متوجه من نبوده است. تنها هدف، پیشکش که در ره آوردی ناچیز از عمری خدمت است که امید دارم مورد قبول و استفاده هموطنانم قرار گیرد.

دکتر حسین شهیدزاده

تهران - شهریور ۱۳۷۷